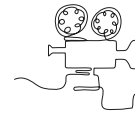


روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر
دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴

محبوبیت بر بال سیمرغ

بازیگران رکورددار ادوار جشنواره





سینما؛ عمیق تر از گفتار و نوشتار

محمد مهدی مفتاح
نماینده مجلس



سینما، به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های هنر، نقشی فراتر از سرگرمی صرف دارد. این هنر-صنعت، به واسطه قدرت تصویر و روایت، یکی از مؤثرترین ابزارهای انتقال پیام، معنا و مفهوم به مخاطب است؛ ابزاری که در بسیاری از موارد حتی می‌تواند تأثیری عمیق‌تر از گفتار و نوشتار بر جامعه بگذارد.

در این نگاه، سینما اگر در مسیر درست حرکت کند، می‌تواند نقشی جدی در شکل‌دهی به گفتمان ملی ایفا کند. سینما مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، دومسیر پیش رو دارد؛ یا در چارچوب ضوابط باورها و اعتقادات پذیرفته شده جامعه حرکت می‌کند، یا از این چارچوب‌ها فاصله می‌گیرد.

سینمای قابل قبول و مورد تأیید، سینمایی است که در راستای باورهای دینی، فرهنگی و اجتماعی جامعه عمل کند و به رشد فضیلت‌ها و ارزش‌های اخلاقی کمک برساند. چنین سینمایی، نه تنها «هنر متعهد» به شمار می‌رود، بلکه می‌تواند با بدنه اجتماعی و مطالبات عمومی پیوند برقرار کند.

از سوی دیگر، هنر ذاتاً ظرفیت وحدت‌آفرینی دارد و سینما به طور خاص می‌تواند نقشی مؤثر در ایجاد همبستگی اجتماعی ایفا کند. این هنر قادر است مفاهیم مشترک، دغدغه‌های ملی و ارزش‌های جمعی را به زبانی ملموس، فراگیر و اثرگذار به جامعه منتقل کند؛ زبانی که گاه اثر آن از سخنرانی‌ها و متون مکتوب نیز فراتر می‌رود.

بنابراین سینما می‌تواند به مثابه یک گفتمان ملی عمل کند، البته به این شرط که این ابزار قدرتمند، با هدف درست و با شیوه‌ای صحیح به کار گرفته شود. در چنین شرایطی، سینما نه تنها یک رسانه فرهنگی، بلکه یکی از ارکان اثرگذار در شکل‌دهی به هویت جمعی و گفت‌وگوی ملی خواهد بود.

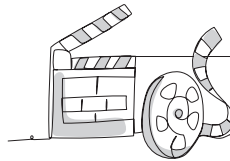
فرصت ایجاد گفتمان با سینما

محمود صادقی
نماینده سابق مجلس



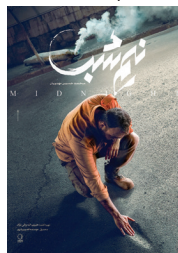
سینما می‌تواند نقشی مهم در شکل‌گیری گفت‌وگوی ملی ایفا کند؛ گفت‌وگویی که حامل ارزش‌های بسیاری است و می‌تواند به ایجاد نوعی همدلی میان اقوام، گرایش‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی کمک کند. اگر «گفتمان» را به مثابه یک مجموعه یا دستگاهی بینشی که از راه واژگان و گفتارهای نهادینه شده، بر ذهنیت‌ها

اثر می‌گذارد در نظر بگیریم، سینما یکی از بسترهای و ابزارهای مهم و مؤثر در شکل‌گیری گفتمان ملی است. البته این پرسشی بجاست که آیا سینمای ایران در تمام این سال‌ها توانسته چنین گفتمانی را بسازد یا تقویت کند؟ پاسخ به این پرسش ساده نیست. واقعیت این است که نقش سنتی سینما، به‌ویژه با گسترش شبکه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های متنوع رسانه‌ای، تا حدی تغییر کرده و تضعیف شده است. امروز تقریباً هر فردی خود به یک رسانه تبدیل شده و متناسب با سلیقه و ظاهر انتخابی‌اش، محتوای مورد نظرش را انتخاب و مصرف می‌کند. در چنین شرایطی، سینما دیگر آن انحصار و اثرگذاری گذشته را ندارد. با این حال، در برخی مقاطع تاریخی، به‌ویژه اگر دوران پس از انقلاب را در نظر بگیریم، هر زمان که محدودیت‌ها کمتر بوده و فیلم‌سازان آزادی عمل بیشتری برخوردار بوده‌اند، سینما توانسته نقش پررنگی در آفرینش گفتمان اجتماعی و ملی ایفا کند. در این دوره‌ها، آثار سینمایی توانسته‌اند توجه جامعه را جلب کنند، به عاملی هنری برای گردهمایی مردم تبدیل شوند و بستری برای بیان دغدغه‌های مشترک و گفت‌وگوی اجتماعی فراهم آورند. در مقابل، در مقاطعی که فضا بسته‌تر و دست‌وپال سینماگران به واسطه سانسور و سایر محدودیت‌ها بسته شده است، به طبع نقش سینما نیز تضعیف و اثرگذاری آن کاهش پیدا کرده است.



داوری فجر برای هشتمین سال

عباس صالح‌مدرسه‌ای، دبیر مجمع تخصصی هنرمندان انجمن خادمان قرآن کریم در داوری فیلم‌های دینی در جشنواره امسال خبر داد و گفت: در سال‌های اخیر با تلاش‌های هدفمند مجمع، انتخاب سینماگران خادم قرآن و جریان تولید و عرضه فیلم‌های قرآنی مورد توجه قرار گرفته و با وجود همه موانع پیدا و پنهان، نوعی فرهنگ‌سازی برای نهادینه شدن این حرکت مثبت شکل گرفته است. امسال برای هشتمین سال متوالی با اجرای سیاست حمایت از تولیدات قرآنی در عرصه فیلم و سینما از سوی حجت الاسلام حمیدرضا ارباب سلیمانی، رئیس مرکز عالی قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فیلم‌های الهام‌گرفته از مفاهیم و مضامین قرآن و عترت مورد داوری قرار می‌گیرند. داوران این دوره از جشنواره فجر شامل عباس صالح‌مدرسه‌ای، امیرعباس قلیچ‌لو و سید مصطفی زروندیان هستند.



بین این دو، دستمایه طراحی پوستر فیلم توسط محمد روح‌الامین قرار گرفته است. پوستر فیلم سینمایی «کافه سلطان» به کارگردانی مصطفی زراق کریمی و تهیه‌کنندگی مرتضی زراق کریمی که توسط امین مبارکی طراحی شده، هم‌زمان با اولین نمایش فیلم در سینماها، رونمایی و منتشر شد. موسسه تصویر شهر نیز از پوستر فیلم سینمایی «نیم‌شب» تازه‌ترین ساخته محمدحسین مهدویان با طراحی محمد روح‌الامین رونمایی کرد. دیگر محصول این موسسه که به صورت مشترک با سازمان سینمایی سوره تولید شده هم از فیلم‌هایی بود که رونمایی پوستر خود را خبری کرد و هم‌زمان با آغاز رسمی جشنواره فیلم فجر در سینماهای مردمی، از پوستر فیلم سینمایی «سرزمین فرشته‌ها» به کارگردانی بابک خواجه‌پاشا و تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی با طرحی از محمد روح‌الامین رونمایی شد. همچنین هم‌زمان با آغاز نمایش‌های فیلم «اردو بهشت» در سینماهای مردمی در جریان چهل و چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر، تیزر این فیلم یکشنبه رونمایی شد.

یک رقابت تبلیغاتی

با آغاز رسمی جشنواره در سینماهای مردمی، طبق روال فجر، پوسترها و مواد تبلیغی آثار یکی پس از دیگری رونمایی می‌شوند. روز گذشته پوستر فیلم سینمایی «حاشیه» به تهیه‌کنندگی یوسف منصوری و کارگردانی محمد علیزاده‌فرد منتشر شد. این پوستر توسط محسن کر بلائی زاده و خانه طراحان انقلاب اسلامی ایده‌پردازی و اجرا شده و طراحی لوگو «حاشیه» را نیز استودیو آن‌ات‌ان برعهده داشته است. از فیلم‌های بنیاد سینمای فارابی، پوستر فیلم سینمایی «قمارباز» نخستین ساخته محسن بهاری برای حضور در جشنواره فجر رونمایی شد. فیلم معمایی «قمارباز» داستانی درباره حمله سایبری به یکی از بانک‌های کشور را روایت می‌کند؛ اتفاقی که یک مأمور خبره را به یکی از برنامه‌نویسان بانک مظنون می‌کند. چالش



علیرضا ضاداد

بائبات‌سازی سازمان برگزاری جشنواره روزآمد کردن آن، ضرورتی است که همه بر آن اتفاق نظر دارند.



سعید جلیلی

من جوان‌ترین فیلم‌ساز جشنواره امسال هستم. نسل من با پدیده‌های جدیدی مواجه شده است...



محسن بهاری

جشنواره به مسیر خود ادامه می‌دهد و برای من که نخستین فیلمم را ساخته‌ام، همچنان یک فرصت مهم است.



منوچهر هادی

«منوچهر هادی» در اولین نمایش آخرین فیلم خود با نام «خیابان جمهوری» نظر مثبت مخاطبان را از آن خود کرد.



روایت تهیه‌کننده

دومین فیلم بلند یوسف حاتمی‌کیا

«اسکورت»؛ درباره شتاب



اکشن ماجراجویانه «اسکورت» به مسائل شوتی‌ها می‌پردازد که سال‌هاست در کانون توجه افکار عمومی و رسانه‌ها قرار داشته و به دلیل حساسیت‌های خاص خود، همواره با چالش‌های متعددی برای تولیدکنندگان آثار هنری همراه بوده است. این اثر پس از چالش‌های فراوان در نهایت توانست سال گذشته مجوز ساخت بگیرد. فیلمبرداری آن در سکوت کامل خبری آغاز شد و در فروردین امسال هم به پایان رسید. محمدرضا منصوری، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «اسکورت» دومین ساخته بلند سینمایی یوسف حاتمی‌کیا که در روز سوم «خانه جشنواره» روی پرده می‌رود، در یادداشتی کوتاه از حال و هوای این فیلم نوشت که در ادامه آن را می‌خوانید.

«اسکورت» برای من فقط یک فیلم نیست؛ تلاشی است برای دیدن و دیده شدن واقعیتی که سال‌هاست در حاشیه مانده؛ واقعیتی به نام «شوتی‌ها».

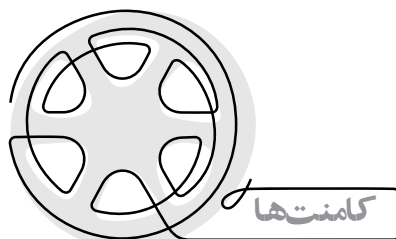
«اسکورت» می‌خواهد این سوال بپرسد: وقتی معیشت به بن‌بست می‌رسد، مرز میان جرم و اجبار کجاست؟ «اسکورت» روایت شتاب‌زده‌ای نیست، اما درباره شتاب است؛ شتابی که ریشه در فقر، نابرابری و دیده نشدن دارد. امید من این است که «اسکورت» فقط دیده نشود، بلکه گفت‌وگو ایجاد کند؛ درباره ریشه‌ها، نه فقط نشانه‌ها.

تهیه‌کننده - محمدرضا منصوری

جابه‌جایی در روز سوم

براساس توافقی که بین حبیب‌اله والی‌نژاد، تهیه‌کننده «نیم‌شب» و سعید خانی، تهیه‌کننده فیلم «سقف» صورت گرفت، امروز؛ ۱۳ بهمن در سانس ۱۶:۳۰ در پردیس سینمایی ملت «نیم‌شب» به جای «سقف» روی پرده می‌رود. به این ترتیب «سقف» هم در روز یکشنبه ۱۹ بهمن در ساعت ۱۹ در پردیس ملت به نمایش درخواهد آمد.

در بین فیلم‌های اکران شده دو روز نخست سینمای رسانه‌ها (خانه جشنواره) دو فیلم «خیابان جمهوری» ساخته منوچهر هادی و «قمارباز» ساخته محسن بهاری بیشتر از سایر آثار مورد توجه قرار گرفتند.



دو فیلم اولی و یک نتیجه

علی رستگار



یک نکته ویژه در مورد روزهای نخست جشنواره امسال، حضور دو فیلمساز به عنوان فیلم اولی (نخستین فیلم حرفه‌ای ساخته شده توسط فیلمسازان) بود که از نگاه من هر دو کاری مشکل در ساخت سینما ارائه دهند. فیلم‌های «قمارباز» ساخته محسن بهاری و «تقاطع نهایی» ساخته سعید جلیلی در لوکیشن محدود خود مخاطب را همراه و درگیر می‌کنند. این اتفاق شاید یکی از تأثیرات حذف نگاه‌ها از جشنواره باشد. به همین بهانه اهالی جشنواره به این نکته می‌رسند که شاید فیلم اولی‌ها توانایی نگه داشتن جشنواره در یک سطح مطلوب را دارند.

فیلمی سرپا با یک مساله

محراب توکلی



فیلم «تقاطع نهایی» ساخته سعید جلیلی می‌خواهد موقعیت محوری خلاص شدن از یک جسد را کش بدهد و از الگوی فیلم‌های نفس‌گیر تک‌لوکیشنی پیروی کند. تا اینجا به نظر می‌رسد متریال اولیه‌ای از یک داستان وجود دارد که دست فیلمنامه‌نویس برای بازی‌های هیجانی با آن باز است. سازندگان «تقاطع نهایی» اما چیزی به موقعیت محوری نه چندان بدیع خود اضافه نکرده‌اند و فیلمی بدون عمق بخشیدن بر اصلاع مختلف فیلمنامه ارائه داده‌اند که اگرچه نفس‌گیر و سرپاست و در همراه کردن مخاطب خوب عمل می‌کند، اما نمی‌تواند یک دستاورد چشمگیر و فراموش‌نشدنی باشد.

یک تجربه اول امیدوارکننده

ایمان عظیمی



در «قمارباز» فیلمساز سعی دارد بر اساس باند صوتی و فضایی که می‌سازد، در اجرا کار را در پیابورد. پلات آن شبیه آثاری مثل «تشریفات ساده» و «مرگ و دوشیزه» است اما متأسفانه در گرگ‌شایی به خوبی عمل نمی‌کند و هر چه فیلم پیش می‌رود، افت می‌کند. البته به عنوان فیلم اول تجربه خوبی برای محسن بهاری بود و امیدوارم در ادامه فیلم‌هایش بهتر از این باشد.

از سوی دیگر باید این واقعیت را در نظر داشت که سینمای ایران برای ساخت فیلم‌های اکشن جاسوسی خیلی جای کار دارد.

بی‌خوابی مکرر

مهران زارعیان



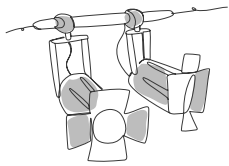
در برهوت ژانر در سینمای ایران که فیلم‌ها تنوع زیادی ندارند، «غوطه‌ور» ساخته جواد حکمی تجربه قابل تأملی است که از حد نصاب لذت بردن از یک فیلم جنایی و پلیسی برخوردار است. فیلم در کارگردانی و بازیگری تمیز از آب درآمده و جنبه‌های سایکوتیک قاتل در فیلم‌های مشابه را دقیقاً بازمانی کرده است. البته تطبیق حال و هوای نئونوار با مناسبات انتظامی و سبک زندگی ایرانی بد نیست و از نمونه‌هایی مثل «مرد بازنده» بهتر است. با این حال فیلم با قدرت نداشتن در عمق بخشیدن به شخصیت کارآگاه، ترسیم انگیزه‌ها و یک گراند خانوادگی او و همچنین متمایز کردن اسلوب قصه‌گویی خود، مانع از آن می‌شود که بتوان آن را یک نمونه برجسته در سینمای ایران ارزیابی کرد.

فیلم‌سازی سنجیده

محمد عرفان صدیقیان



فیلم‌های معمایی و جاسوسی معمولاً با تلفیق هوشمندانه ژانرها و گسترش پیرنگ، به روایت‌هایی چندلایه و غنی دست می‌یابند که جذابیت و تعلیق اثر را دوچندان می‌کند. محسن بهاری در «قمارباز» اولین ساخته سینمایی خود قصه‌ای چندلایه و معمایی را دست‌مایه ساخت قرار داده است، اثری که اولین فیلم اکران شده در خصوص جنگ ۱۲ روزه است و به ماجرای یک بانک‌ها در خلال جنگ ۱۲ روزه می‌پردازد. پرداختن به بعدی متفاوت و کمتر دیده شده و همچنین واکاوی ابعاد شناختی آن، مهم‌ترین ویژگی اثر هستند. فیلم بدون شتاب‌زدگی، بافت روایی داستان خود را به تدریج شکل می‌دهد و می‌کوشد ادامه ماجرا برای مخاطب قابل پیش‌بینی نباشد. بهاری با تنوعی سنجیده در به کارگیری میزانسن‌ها در فضای محدود و دکوپاژی منطبق بر الگوهای تثبیت‌شده کلاسیک، به انسجام بصری دست یافته و حاصل کار، اثری شسته رفته و کنترل‌شده است.

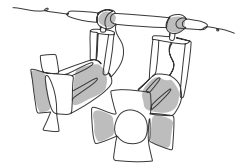


نشست خبری فیلم «تقاطع نهایی»

یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

دغدغه جاری در لایه‌ها

اجرا: وحید رونقی **حاضران:** سعید جلیلی؛ نویسنده و کارگردان، مهدی مددکار؛ تهیه‌کننده، مهدی ایل بیگی؛ مدیر فیلمبرداری، محمد لاجوردی؛ صداگذار و مسیح سراج؛ صداپرداز. **از میان گفته‌ها:** **سعید جلیلی:** تلاش کردم فیلم مخاطب را به فکر فروبرد اما قصد پیام مستقیم نداشتیم در جامعه امروز ما پول ارزشی فراتر از مقدار خود پیدا کرده و متأسفانه از انسانیت هم فراتر رفته است. این روزها با پول می‌توان خیلی کارها کرد. من جوان‌ترین فیلمساز جشنواره امسال هستم. نسل من با پدیده‌های جدیدی مواجه شده است. این روزها بالا رفتن ارزش پول که باعث شده ارزش خیلی مفاهیم مثل عشق از بین برود. این مساله و دغدغه مالی بحث فیلم من در لایه‌های زیرین بود. شهاب حسینی در زمینه انتخاب بازیگر مشاوره داد، در جلسات دورخوانی فیلمنامه و در خصوص مدل بازی و بازی گرفتن از بازیگرها بسیار کمک کرد. **مهدی مددکار:** انگیزه و توان کارگردان به عنوان فیلمنامه‌نویس بسیار برایم جذاب بود به ویژه به عنوان یک فیلمساز جوان و فیلم‌اولی که فیلم اجتماعی ساخته است. برای فیلم اولی‌ها اگران، بحرانی جدی است چراکه نه تبلیغات نه رسانه نه سینما دار حمایتی نمی‌کنند. در بحث فیلمسازی جوانان فقط حرف می‌زنیم و کار موثری انجام نمی‌دهیم. باید از فیلمسازان مستقل و جوان حمایت کنیم امروز اجازه تجهیزان فیلمبرداری روزی ۸۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان است. عرصه فیلمسازی برای جوانان دشوار شده و من تقاضای کنم مسئولان به فیلم‌های اول کمک کنند. **مسیح سراج:** درباره شیوه شنیده شدن اتفاقاتی که روایت می‌شود، بسیار صحبت کردیم و قرار شد پا را از چارچوب‌ها فراتر بگذاریم. البته قبل از این، فیلم کوتاه کار کرده بودم. چالش‌های این فیلم برایم زیاد بود، کاری که کردم متفاوت بود و امیدوارم متفاوت هم دیده شود.

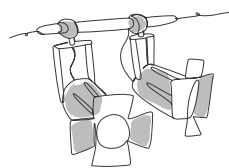


نشست خبری فیلم «قمار باز»

یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

بر اساس دو ماجرای واقعی

اجرا: وحید رونقی **حاضران:** محسن بهاری؛ کارگردان، سجاد نصراللهی نسب؛ تهیه‌کننده، مسیح سراج؛ صداپرداز، محمد روح‌الامین؛ طراح لوگو و پوستر **از میان گفته‌ها:** **محسن بهاری:** جنگ، موضوع روز و درباره ایران است. هسته اولیه این فیلم مربوط به سه سال پیش است و واقعا علاقه زیاد من به این فیلمنامه باعث ساخت این فیلم شد. فیلم برگرفته از دو ماجرای واقعی است. هسته اصلی داستان از دو ماجرا الهام گرفته و درام‌هایی هم به آن اضافه شده است. یک ماجرا مربوط به هک بانک سپه است که تقریباً همه با آن آشنا هستند و دیگری، ماجرای طی یک شب تا صبح است که طی آن شخصیت اصلی، تبدیل به جاسوس دوگانه شود. این دو ماجرا با هم تلفیق شده‌اند. جنگ فقط با توپ و تانک و تفنگ نیست. جنگ امروز با پسورد شروع می‌شود و جنگ سایبری بسیار مهم‌تر از آن چیزی است که بتوانیم به تصویر بکشیم. **سجاد نصراللهی نسب:** داستان فیلم، ترکیبی از دو اتفاق واقعی است؛ بخشی مربوط به جنگ ۱۲ روزه و بخشی مربوط به اتفاق مشاهیری در زمان دیگر و این پروژه با فراخوان فارابی پذیرفته شد و با وجود زمان محدود، تولید به موقع انجام شد. کار با کارگردان‌های اولی چالش دارد، اما با گروه همدل نتیجه قابل قبول می‌شود. در وضعیت پسا کرونا و با وجود پلتفرم‌ها، نمی‌توان درباره گیشه نظر قطعی داد، اما امیدوارم مخاطب بعد از فیلم احساس نکند و تنش هدر رفته است. **محمد روح‌الامین:** طراحی سه فیلم را امسال بر عهده داشتیم که به جنگ ۱۲ روزه ارتباط داشت. برای طراحی پوستر این فیلم طرح و فیلمنامه را خواندم به دلیل تعهد حرفه‌ای نشان فیلم را به اصل قصه نزدیک کردم.



نشست خبری فیلم «خیابان جمهوری»

یکشنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۴ - سالن ۱۲ پردیس ملت

احترام کارگردان به نظر رسانه

اجرا: وحید رونقی **حاضران:** منوچهر هادی؛ کارگردان، هانی شیرازی؛ تهیه‌کننده، پدرام کریمی؛ نویسنده، میلاد حسینی؛ مدیر فیلمبرداری، الناز ملک و روح‌الله زمانی؛ بازیگران. **از میان گفته‌ها:** **پدرام کریمی:** در فیلمنامه خیلی از فرازها و اتفاقات فیلم را حذف کردیم تا با این کار فیلم را دراماتیزه کنیم. در واقع این موقعیت‌ها را به عمد حذف کردیم تا مخاطب به ملال‌هایی که شخصیت اصلی در زندگی دارد، نزدیک شود. به طور کل این اقدام برای نزدیک شدن بیننده به زیست‌آیلاز بود. انتخاب گویش فیلم هم به این دلیل بود که رنگی به فیلم ببخشیم. البته منطق فیلمنامه‌ای هم برای این کار وجود دارد. قهرمان قصه از یک شهر کوچک به تهران می‌آید، در این راستا منطقه‌ای از آذربایجان را انتخاب کردیم. سینمای اجتماعی نباید فقط اعلام وضعیت کند، بلکه باید بازتابی تند نقد کند. سینمای اجتماعی باید قهرمان معرفی کند. قهرمانی پویا و فعال. خواهش می‌کنم به دنبال کشف موقعیت‌ها و پیچش‌های بی‌پرده همچون نام فیلم نباشید. «خیابان جمهوری» به این دلیل انتخاب شد که بیشتر خیاطی‌های تهران در این خیابان وجود دارند. مادر این فیلم قصد داریم، قهرمانی را که از اغلب زنان امروز ما نمایندگی می‌کند، معرفی کنیم. **منوچهر هادی:** نزدیک به چهل دقیقه از نسخه اولیه فیلم کوتاه کرده‌ایم. این کار برای بهتر کردن ریتم بوده است، البته به طور کل زندگی این قشر از جامعه مطابق آن چیزی است که شما در فیلم دیدید. البته اگر بخشی از فیلم خسته‌کننده است و مخاطب حوصله‌اش سر رفته، نمی‌خواهم توجیه یا بهانه بیاورم. اگر همه برگرد بوند ریتم اثر اتفاق نظر داشته باشند، از زمان آن کم خواهیم کرد. از سوی دیگر اتفاقی ویژه هم در کار فیلمبرداری با مدیریت میلاد حسینی افتاد. ما عمدتاً از لنزهای ۱۰۰ و ۱۳۵ استفاده کردیم و حرکت دوربین روی دست بود. به ندرت لنز ۵۰ را کار بردیم. **میلاد حسینی:** با نظر آقای هادی از دوربین روی دست استفاده کردیم و در ادامه نورپردازی را طوری طراحی کردیم که حال و هوای فیلم به واقعیت نزدیک باشد.



صفحه ۴
روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر

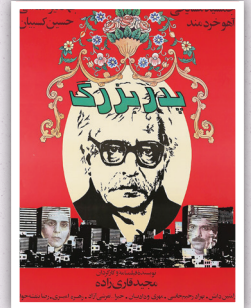
فیلمنامه‌های برتر ادوار فجر چه بودند؟ چرا جایزه گرفتند؟ ۳

تغییر، فرار، نجات و انتقام

به چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر رسیده‌ایم. در این سال‌ها داستان‌های بسیاری گفته شده است. برخی از آن‌ها قهرمان‌های ماندگاری خلق کرده‌اند، قهرمان‌هایی که در تاریخ سینمای ایران جاودانه شده‌اند. افرادی که این داستان‌ها را به فیلمنامه و در مواردی به فیلم تبدیل کرده، گاهی از زیست شخصی خود و گاهی از قدرت تخیل‌شان استفاده کرده‌اند. آن‌ها قهرمان‌های خود را به جدال‌های درونی و بیرونی برده‌اند. جدال‌هایی که برای مخاطب پرسشی اساسی ایجاد می‌کنند. چه کسی پیروز خواهد شد؟ و فیلمنامه‌نویسان با ایده‌های ناظر خود به این پرسش پاسخ خواهند داد. نام این فیلمنامه‌نویسان و آثارشان در تاریخ جشنواره فیلم فجر ثبت شده است. در این گزارش با توجه به اهمیت داستان‌گویی در سینما و ارزش نهادن به مدیوم فیلمنامه بر آئیم که نگاهی به آثار آن‌ها داشته و ایده اولیه، پیچش داستانی، پیرنگ و ایده ناظرشان را معرفی کنیم.



نام فیلم: خانه خلوت
محصول: سال ۱۳۷۰
برنده سیمرغ بلورین
دهمین جشنواره فیلم فجر
فیلم‌نامه‌نویسان: حسن قلی‌زاده و اصغر عبدالمی



نام فیلم: پدر بزرگ
محصول: سال ۱۳۶۴
برنده لوح زرین
چهارمین جشنواره فیلم فجر
فیلم‌نامه‌نویس: مجید قاری‌زاده

بازیگران: عزت‌الله انتظامی، نیکو خردمند، فاطمه گودرزی، جهانگیر فروهر، رضایوگر
خلاصه داستان: جلال سعیدی که در گذشته پاورقی‌نویس مطبوعات بوده است، حاضر نیست خود را با روزگار جدید تطبیق دهد و دچار مشکل می‌شود. اصرارهای همسرش و یکی از شاگردانش راه به جایی نمی‌برد و او دست از نوشتن می‌کشد. در ادامه سروکله سمسار محله و همسایه‌بشارو بفروششان که چشم به تصاحب خانه بزرگ واشیای قدیمی آن‌ها دارند پیدامی‌شود تا اینکه...
ایده اولیه: چه خواهد شد اگر یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای خود را با عصر تازه مطبوعات وفق ندهد؟
پیرنگ: افراط فلاکت‌بار، تغییر
پیچش داستانی: شوهر نرگس که یک جانباز جنگی است از اسارت باز می‌گردد
ایده ناظر: امید و زندگی بر خاموشی و تباهی ارجح است چراکه نویسنده (قهرمان قصه) تنها با ارزش‌های عاطفی و رمانتیک به زیستن (نوشتن) با می‌گردد.

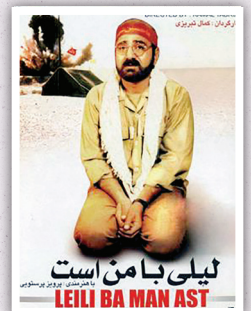
بازیگران: جمشید مشایخی، جهانگیر الماسی، آهو خردمند، حسین کسبیان، بهزاد رحیم‌خانی، رامتین دانش، مهری ودادیان، رضا بنفشه‌خواه، خیرالله تفرشی‌آزاد
خلاصه داستان: حسین عطاردی با همسرش، فخری و پسرش، در خانه قدیمی پدر زندگی می‌کند. فخری باتحیه و ام‌مسکن، به اصرار می‌خواهد خانه پدری را بفروشد و راهی یک مجتمع آپارتمانی، شوند. آن‌ها پدر بزرگ را به آسایشگاه سالمندان می‌سپارند. محمد، فرزند خانواده، او را در آسایشگاهی می‌یابد و...
ایده اولیه: چه می‌شود اگر یک خانواده عادی، برای رسیدن به منفعتی پدر بزرگ را نادیده بگیرند؟
پیرنگ: تغییر، عشق
پیچش داستانی: پسر خانواده در خلاف جهت مسیری که خانواده‌اش رفته، حرکت می‌کند.
ایده ناظر: تعلق خاطر به پدر بزرگ در اولویت است چراکه ارزش‌های اخلاقی و خانوادگی تأثیر بیشتری نسبت به منافع مادی بر انسان دارد.



نام فیلم: دو زن
محصول: سال ۱۳۷۷
برنده سیمرغ بلورین
هفدهمین جشنواره فیلم فجر
فیلم‌نامه‌نویس: تهیمنه میلانی



روزنامه چهل و چهارمین
جشنواره ملی فیلم فجر



نام فیلم: لیلی با من است
محصول: سال ۱۳۷۴
برنده سیمرغ بلورین
چهاردهمین جشنواره فیلم فجر
فیلم‌نامه‌نویسان: رضا مقصودی، کمال تبریزی

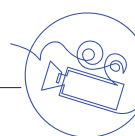
بازیگران: نیکو کریمی، محمد رضا فروتن، مرلیلا زارعی، آتیلا پسیانی، حسن جوهرچی
خلاصه داستان: فیلم سینمایی «دو زن» درباره دو دوست و همکلاسی معماری در سال‌های اولیه انقلاب است که حالا مسیر زندگی‌شان کاملاً متفاوت است. رویا و فرشته پس از پانزده سال دوباره با یکدیگر روبه‌رو شده‌اند. این دو دوست در ادامه مسیر قصه سعی دارند به یکدیگر کمک کنند تا اینکه...
ایده اولیه: چه می‌شود اگر دو دوست قدیمی با زخم‌های بسیاری به یکدیگر برسند؟
پیرنگ: انتقام، نجات
پیچش داستانی: کاراکتر حسن از زندان آزاد می‌شود اما کاراکتر احمد زنده نمی‌ماند و در بیمارستان می‌میرد.
ایده ناظر: زنان می‌توانند زیست بهتری داشته باشند، اگر سایه فشارهای سنتی و مردسالارانه بر آن‌ها سنگینی نکند. رهایی و استقلال به طور کامل ممکن نمی‌شود چراکه ردپای قدرت‌های زن‌ستیز همچنان احساس می‌شود.

بازیگران: پرویز پرستویی، محمود عزیزی، شهره لرستانی، رحمان باقریان، حسین معلومی، مهدی فقیه
خلاصه داستان: صادق مشکینی، فیلمبردار تلویزیون که بسیار از خط مقدم جنگ می‌ترسد، برای اینکه بتواند از صندوق تلویزیون وام بگیرد تا خانه نیمه‌ساخته‌اش را تکمیل کند، باید برای فیلمبرداری یک مستند از اسرای عراقی به منطقه جنگی برود. صادق شبانه وصیتی تنظیم می‌کند و به همراه آقای کمالی عازم منطقه می‌شود. او برای اینکه پایش به منطقه جنگی و به خصوص خط مقدم نرسد، حوادث عجیب و غریبی رفته‌رفته می‌زند اما ناخواسته به خط مقدم می‌رسد...
ایده اولیه: چه می‌شود اگر کسی که از جنگ می‌ترسد، ناخواسته به سمت آن کشیده شود؟
پیرنگ: فرار، فداکاری
پیچش داستانی: ترس و فرار صادق مشکینی از جنگ، نه تنها خیلی به چشم دیگران نمی‌آید، بلکه آن‌ها در او شجاعت می‌بینند.
ایده ناظر: نهایت ترس شجاعت است، وقتی ترسوترین افراد با چهره واقعی جنگ و جبهه مواجه می‌شوند، از ترس عبور کرده و با یاری الهی دگرگون می‌شوند.

پروانه

تهیه کننده: بهمن کامیار، کارگردان: محمد برزویی پور، بازیگران: مهدی پاکدل، هومن برقنورد، محمدعلی محمدی، الهه کریمی و با هنرمندی آناهیتا درگاهی، **نویسنده:** علیرضا عطاءالله تبریزی، **تهیه کننده اجرایی:** سجاد رحیمی، مجری طرح: حامد پور اسفندیانی- مهدی حسینی، **مدیر فیلمبرداری:** کیوان شعبانی، **تدوین:** والا حشمت نیا، **موسیقی:** مهرآفرین طوسی، **صداگذار:** امیرحسین قاسمی، **مدیر تولید:** محمد ابراهیمی، **طراح صحنه:** محسن غلامی، **طراح لباس:** ثمینه افتخاری، **طراح گریم:** میثم قره گوزلو، **صداپرداز:** سیوان محمدی، **عکاس:** مهران بی پروا، **سرمایه گذاران:** نهال و بهکام مصلحی- مهدی حسینی- قادر اکبری- سجاد رحیمی

خلاصه داستان: پروانه ناپدید شده و پدرام در هزارتوی یک بازجویی بی پایان قرار گرفته است تا سرنخی از پروانه به دست آید. هر روایتی از پدرام، دریچه ای جدید از رابطه او و پروانه در ذهن بازجو می گشاید، گویی این بازجویی برای پدرام و بازجو پایانی ندارد.



مسابقه

اسکورت

نویسنده و کارگردان: یوسف حاتمی کیا، **تهیه کننده:** محمد رضا منصور، **بازیگران:** امیر جدیدی، هدی زین العابدین، رضا کیانیان، افشین هاشمی، مهدی زمین پرداز، هادی شیخ الاسلام، **مدیر فیلمبرداری:** میلاد نوری، **تدوینگر:** میثم مولایی، **چهره پرداز:** امید گل زاده، **موسیقی:** سروش انتظامی، **صداپرداز:** سعید زند، **صداگذار:** علیرضا علویان، **طراح صحنه:** فرهاد احمدی، **طراح لباس:** لیلا مظفرزاده، **جلوه های میدانی:** آرش آقاییک، **جلوه های بصری:** امین انتشاری

خلاصه داستان: «اسکورت» درباره تصمیم هایی است که در لحظه های بحرانی گرفته می شوند؛ جایی که مرز میان وظیفه، وجدان و بقا به تدریج محو می شود. روایت تنش، تعقیب و سکوت هایی که سنگین تر از کلمات هستند و انسان هایی که ناچار می شوند بهای تصمیم هایشان را بپردازند.



نیم شب

فیلم نامه نویسان: مهدی یزدانی خرم، اعظم پهلوز براساس طرحی از یاسر انتظامی، **کارگردان:** محمدحسین مهدویان، **تهیه کننده:** حبیب والی نژاد، **مدیر فیلمبرداری:** هادی بهروز، **مجری طرح:** علیرضا والی نژاد، **مدیر تولید:** منصور غضنفری، **طراح صحنه:** بهزاد جعفری طادی، **طراح گریم:** مونا جعفری، **طراح لباس:** مریم محمدپور، **مدیر صداپردازی:** هادی ساعدمحکم، **طراحی و ترکیب صدا:** مهرشاد ملکوتی، **تدوینگر:** مهدی سعدی، **موسیقی:** حبیب خزایی فر، **طراح جلوه های میدانی:** ایمان کرمان، **طراح جلوه های بصری:** امین پهلوان زاده، **بازیگردان:** کیومرث مرادی، **عکس:** محمد مهدی دلخواسته، **مشاور رسانه ای و روابط عمومی:** سیدسام بهشتی **خلاصه داستان:** در نیم شب آخرین روز خرداد ۱۴۰۴، مردم خیابان بیست و سوم یوسف آباد جایی میان مرگ و زندگی قرار می گیرند. بزخ همین جاست. آدم ها باید تصمیم بگیرند. این فقط یک داستان نیست. ماجرای واقعی از زندگی مردمی است که به آغوش تهران پناه می برند.





گفت و گو با مهدی یزدانی خرم، فیلمنامه نویس «نیم شب»

ایران نقطه اتصال ما بود

محراب توکلی

«نیم شب» آخرین ساخته بلند سینمایی محمدحسین مهدویان از جمله آثار کنجکاوی برانگیز این دوره جشنواره است که در روز سوم خانه جشنواره روی پرده می‌رود. با مهدی یزدانی خرم که در کنار اعظم بهروز براساس طرحی از یاسر انتظامی؛ فیلمنامه نویس این اثر بوده صحبت کرده‌ایم.

لطفاً از روند همکاری‌تان با آقای محمدحسین مهدویان بگویید؛ این مسیر چگونه آغاز شد و در نهایت به ساخت نیم شب انجامید؟

با محمدحسین مهدویان پیش‌تر هم یکی دو پروژه مشترک داشتیم که به دلایل مختلف یا توقیف شدند یا به سرانجام نرسیدند. من و محمدحسین در کافه‌ای نشسته بودیم و هر دو به این نتیجه رسیدیم که «باید یک کاری کرد. از همان جا جرقه یک طرح زده شد و شروع کردم به نوشتن ایده‌هایی که بعدها به دلایلی به پروژه «ماجرای نیمروز ۳» منتهی شد. در این مسیر با سید محمود رضوی هم صحبت کردیم؛ گفت وگوها بسیار مثبت بودند. اما به دلایل فراهم نبودن برخی شرایط و نبود بعضی از بازیگران مثل جواد عزتی پروژه در آن مقطع جلو نرفت. در همین فاصله، یک روایت تکان دهنده از بیمارستان محب کوثر مطرح شد؛ روایتی که یکی از دوستان شاهدش بود و آن را با جزئیات تعریف کرد. این ماجرا از طریق حسین به من منتقل شد و حقیقتاً شوکه کننده بود. قصه‌ای که بعدها پایه فیلم شد. حدود ۹۰ درصد این فیلم مبتنی بر واقعیت و مستند است و فقط با رگه‌هایی از تخیل به هم متصل شده است. این اتفاق در شرایط بسیار سختی برای من رخ داد؛ همسرم روزهای پایانی زندگی‌اش را می‌گذرانید. با وجود این، با اجازه همسرم که تاکید داشت حتماً این کار را انجام دهم، وارد پروژه شدم. در کنار خانم بهروز که واقعاً زحمت زیادی برای این پروژه کشیدند، کار را شروع کردیم. ابتدا یک قصه اولیه نوشتیم و بعد، همراه محمدحسین آن را گسترده کردیم. فیلمنامه در یک بازه زمانی کوتاه، اما با بازنویسی‌های متعدد شکل گرفت و در نهایت، نتیجه این فرآیند فیلم

در جریان جنگ ۱۱روزه، بسیاری ترجیح دادند تا خانه خود را ترک کنند. طرح اولیه فیلم هم درباره این مهاجرت در دل جنگ بود و اتفاقاتی که خلاف پیش‌بینی مهاجران برای داشتن پناهگاه رخ می‌دهد. تحقیق در ادامه تلاش کردیم با دراماتیزه کردن آن، به فیلمنامه‌ای کامل برسیم که معانی عمیق‌تری را در خود داشته باشد.



«نیم شب» شد.

از منظر تخصصی، اگر بخواهید درباره نوشتن فیلمنامه‌ای با ساختار داکوودرام توضیح بدهید، این فرآیند چگونه پیش می‌رود؟ شما هم از آرشیو استفاده می‌کنید هم تخیل را در آن سهیم می‌کنید، از طرفی هم آقای مهدویان یک عقبه‌ای در این فضا دارند، اینکه بخواهید دیدگاهتان را در فیلم اعمال کنید بدون اینکه پیشینه آقای مهدویان را در نظر داشته باشید، چه کردید؟

درمان‌هایم به‌ویژه در آثاری مثل «سرخ سفید» و «خون خورده» هم دقیقاً همین مسیر را پیش بردم. این‌ها رمان‌هایی هستند که با تخیل و بر پایه رویدادهای واقعی و تاریخی نوشته شده‌اند. بنابراین این فضا برای من کاملاً آشنا بود.

درمان، شکل روایت متفاوت است؛ شما می‌توانید ذهنی نویسی کنید، مدام زمان را جابه‌جا کنید. اما در فیلمنامه به‌ویژه در این پروژه، کار به‌شدت سخت‌تر بود. با اینکه یک قهرمان محوری داشتیم، اما مستندنویسی باید به‌گونه‌ای انجام می‌شد که ذوق مخاطب را کور نکند. به همین دلیل، تصمیم گرفتیم روایت را در قالب فرمی شبیه شورت‌کات پیش ببریم. بر همین اساس، جلسات متعددی با محمدحسین و خانم بهروز داشتیم و بسیار تلاش کردیم به زبان و فرم مشترک برسیم. البته این فضا اصلاً برای من غریبه نبود. در واقع، یکی از چیزهایی که من و حسین را به هم نزدیک کرد، هم سینمای او و هم نوع رمان‌نویسی من بود. این فرم نوشتن از من دور نبود و کاملاً با جهان کاری‌ام هم‌خوانی داشت.

نکته‌ای که شاید برای مخاطب هم جالب باشد این است که شما در مقطعی منتقد برخی از آثار آقای مهدویان بودید، اما امروز با هم همکاری می‌کنید. این پیوندی را که از دل سینما شکل گرفته، چگونه توضیح می‌دهید؟

ببینید، من سینمای محمدحسین مهدویان را از همان فیلم‌های اولش دوست داشتم؛ از «ایستاده در غبار»، حتی قبل‌تر از آن «ماجرای سرچشمه»، و بعد «ماجرای نیمروز» را هم خیلی دوست داشتم. در عین حال، همان‌طور که خودش هم می‌داند، نقدهایی هم به برخی از فیلم‌هایش نوشتیم. به هر حال، سلیقه من تا فیلم «درخت گردو» با کارهای او فاصله‌هایی داشت. اما «درخت گردو» برای من یک نقطه عطف بود. همان زمان درباره‌اش نوشتیم و واقعاً به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفتیم و هنوز هم آن فیلم را خیلی دوست داریم. در واقع، از همان‌جا دوستی ما آغاز شد؛ دوستی که بر پایه علاقه متقابل دونفر به هم و به سینما شکل گرفت. البته من ابتدا خیلی مقاومت می‌کردم که وارد سینما شوم؛ اما به تدریج به فضای سینما کشیده شدم؛ جنس سینمای محمدحسین را دوست دارم. سینمایی با ریتم بالا و از جنس تاریخ به‌ویژه اینکه دغدغه‌اش مساله ایران است. برای من، «ایران» چه در نوشته‌ها و مقالاتم و چه در کار داستانی یک مساله محوری است. همین موضوع ما را به‌شدت به هم پیوند داد. چه در نگارش فیلمنامه‌هایی مثل «رستم و سهراب»، «مطرود» و «نیم شب»، حتی در سریال «سرخ سفید» هم که فیلم‌نامه اصلی را عباس ریاچی عزیز نوشته و من هم در آن نقش کوچکی داشتم. در همه این تجربه‌ها، مساله ایران نقطه اتصال ما بود. به همین دلیل، خیلی راحت با هم گفت وگو می‌کنیم، خیلی روان جلو می‌رویم و همکاری‌مان شکل طبیعی دارد.



نگار تقی پور



مهم‌ترین مساله تلاش مداوم و استمرار است. اگر ناامید شوید، به هیچ جانی رسیدن نباید تلاش بیهوده کرد؛ هرگاه زمانش برسد، شرایط به بهترین شکل فراهم می‌شود. اما تلاش عامل موفقیت است.

و همراه بودند. به عنوان فیلمساز اولی چالش خاصی با بازیگران نداشتم. تلاش کردم در روزهای پیش از تولید و روزهای ابتدایی، نگرانی‌های حرفه‌ای‌شان را برطرف کنم تا با آرامش کار کنند که در نتیجه آن نگرانی‌ها رفع شد و آن‌ها با تمام وجود در اختیار پروژه قرار گرفتند.

چه تلاش‌هایی به طور ویژه برای قوام بخشیدن به منطق بصری و فرمی فیلم صورت گرفت؟

همان‌طور که گفتم همه عناصر را در خدمت محتوای بینم؛ فیلم‌برداری، نورپردازی، دکوپاژ، طراحی صحنه و تمام اجزای کارگردانی باید در خدمت محتوا باشند. این اصل اساسی کار من است و معتقدم تمام اجزا باید محتوای فیلم را پشتیبانی کنند.

تعامل شما با تهیه‌کننده فیلم «بهمن کامیار» - که در این فیلم به عنوان مشاور کارگردان هم فعالیت کرد- چگونه بود؟

از آنجاکه سال‌هاست آقای کامیار در زمینه نویسندگی و فعالیت‌های سینمایی تجربه دارد، تجربیاتش به شدت به من کمک کرد و در مقام مشاور، نظرات ارزشمندی ارائه داد. او دست من را در دکوپاژ و ساختار فیلم کاملاً باز گذاشت و هرگاه نکته‌ای به نظرش می‌رسید، مطرح می‌کرد که عمدتاً هم با دیدگاه من هم‌سو بود. خوشبختانه در این زمینه چالش جدی نداشتم و او هم از روند کار راضی بود. همچنین سجاد رحیمی، تهیه‌کننده اجرایی مرا یاری کرد. همه این عوامل در کنار هم سبب شدند کاری قابل قبول شکل بگیرد که امیدوارم مورد پسند مخاطبان هم باشد.

بزرگ‌ترین چالش شما در مسیر کارگردانی و تولید فیلم اول چه بود؟

بزرگ‌ترین چالش برای فیلمساز اولی، تولید فیلم است. من برای ساخت همین فیلم پنج سال صرف تأمین بودجه و رسیدن به توافق با تهیه‌کننده کردم. بسیاری از فیلمسازان اولی هنوز نتوانسته‌اند فیلم اول خود را بسازند. مانیز باتلاش‌های بسیار و لطف خدا به این نقطه رسیدیم. ساخت فیلم اول در ایران بسیار دشوار است.

در نهایت به نظر شما کلید رسیدن به ساخت اولین اثر چیست؟ و ادامه مسیر حرفه‌ای خود را چگونه پیش‌بینی می‌کنید؟

مهم‌ترین مساله تلاش مداوم و استمرار است. اگر ناامید شوید، به هیچ جا نمی‌رسید. نباید تلاش بیهوده کرد؛ هرگاه زمانش برسد، شرایط به بهترین شکل فراهم می‌شود. اما تلاش و استمرار اصلی‌ترین عامل موفقیت است. به عنوان یک فیلمساز اولی دوست داشتم این فیلم در شرایط بهتر زمانی که حال عمومی مردم خوب باشد به نمایش درآید تا بازخوردهای بیشتری دریافت کنم. با این حال، اکنون وظیفه داریم فیلم را به اهالی سینما ارائه دهیم. در ادامه، هر آنچه پیش بیاید پیگیری می‌کنم و مایل هستم مسیر حرفه‌ای را به صورت جدی ادامه دهم و برای سینما اتفاقات خوبی رقم بزنم.

گفت و گو با محمد برزویی پور کارگردان فیلم سینمایی «پروانه»

جنایای معمایی رمانتیک

محمد برزویی پور با فیلم سینمایی «پروانه» برای نخستین بار در جشنواره فیلم فجر حضور پیدا کرده است. این فیلم توسط بهمن کامیار تهیه و فیلم‌نامه آن توسط علیرضا عطاالله تبریزی به نگارش درآمده است. برزویی پور از جمله فیلم‌سازانی است که در مدیوم فیلم کوتاه فعالیت سینمایی خود را به عنوان کارگردان آغاز کرد. او در این گفت‌وگو درباره روند ساخت و تعامل با عوامل پروژه «پروانه» صحبت کرد.

از «پروانه» و حال و هوای آن بگویید. فیلم چه مضمونی دارد؟

فیلم سینمایی پروانه درباره کاراکتری به نام پدرام ستوده است که به جرم قتل همسر دوست‌اش دستگیر شده، برای اینکه ثابت کند مرتکب این قتل نشده و بی‌گناه است، با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شود. می‌توانم بگویم «پروانه» یک درام اجتماعی-جنایی با سوییچ‌هایی از سینمای رمانتیک و معمایی است.

با توجه به اینکه «پروانه» اولین فیلم بلند سینمایی شماست، مسیر فکری و تجربی شما چگونه به ساخته شدن این فیلم منجر شد؟

سال‌ها در عرصه فیلم کوتاه فعالیت داشتم، در این مسیر به تدریج به این نتیجه رسیدم که همه چیز باید در خدمت محتوا باشد و از ابتدای فعالیت، این اصل را دنبال کردم. معتقدم اگر عنصری در خدمت محتوا باشد، به خوبی دیده می‌شود اما اگر چیزی به مثابه تکنیک بخواهد خودنمایی کند، هم به فیلم آسیب می‌زند و هم به آن تکنیک به کاررفته ضربه جدی وارد می‌کند. البته ترجیح می‌دهم درگیر ذهنیت‌ها و رویکردهای دیگران نشوم. دوست دارم هر فیلمی که می‌سازم، از ذهن خودم و منحصر به فرد باشد. ترجیح می‌دهم تأثیر مستقیمی از جایی نگیرم و آنچه را که در ذهن خودم هست، به تصویر بکشم. البته اصلی‌ترین چالش برای یک فیلمساز اولی، رساندن اثر به مرحله تولید است. چالش اصلی من نیز در مرحله پیش‌تولید و تأمین شرایط تولید فیلم بود. خوشبختانه با وجود تیم بسیار خوب و یک تهیه‌کننده قوی، در روند پیش‌تولید و تولید با چالش خاصی مواجه نشدیم و همه چیز به صورت روئین و با کیفیت بالا پیش رفت. در نتیجه توانستیم فیلم را اواخر آذرماه به جشنواره برسانیم.

روند انتخاب و تعامل با بازیگران چگونه بود؟ در جست‌وجوی چه بازیگرانی بودید؟

سلیقه من این است بازیگرانی را انتخاب کنم که در قالب‌های شناخته‌شده دیده شده‌اند و بتوانیم قالب‌شان را بشکنیم و چهره جدیدی از آن‌ها نشان دهیم. انتخاب‌های ما عمدتاً همان گزینه‌های اولیه و بازیگرانی بسیار همدل

محبوبیت بر بال سیمرغ

بازیگران رکورددار ادوار جشنواره

رکورددار دهه ۶۰ تبدیل کرد. این جوایز در روزگاری که حضور پرنس زان در سینما چندان معمول نبود، نشان از پذیرش نگاه حرفه‌ای و متعهدانه او داشت و جایگاهش را به عنوان بازیگری جدی تثبیت کرد.

هدیه تهرانی با کشف مسعود کیمیایی و بازی در فیلم «سلطان» وارد سینما شد. مسیر صعود او در جشنواره فجر با دریافت اولین سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن برای فیلم «قرمز» در هفدهمین دوره مشخص شد. او سپس با بازی در فیلم پرفروش و پرمخاطب «چهارشنبه‌سوری» ساخته اصغر فرهادی در دوره بیست و چهارم دومین سیمرغ خود را کسب کرد. این دو جایزه در دو دهه مختلف، نشان از تداوم حضوری موفق و متنوع در ژانرهای مختلف سینمای ایران داشت و او را به عنوان یکی از بازیگران شاخص و مؤثر در مرکز توجه نگاه داشت.

باران کوثری، هنگامه قاضیانی و مریلا زارعی هر کدام نمایندگان نسل‌های مختلفی هستند که دو سیمرغ نقش اول را در کارنامه خود دارند. کوثری با سیمرغ دوره بیست و پنجم برای «خون‌بازی» به جمع بازیگران برتر پیوست. قاضیانی با «به همین سادگی» (دوره ۲۶) شناخته شد و جایزه دومش را برای «روزهای زندگی» (دوره ۳۰) گرفت. زارعی نیز نخستین سیمرغ را برای «شیار ۱۴۳» (دوره ۳۲) دریافت کرد و دومین را به صورت مشترک برای «زیر سقف دودی» (دوره ۳۵). فجر برای هر سه، سکوی پرتاب و محفلی برای تثبیت جایگاه حرفه‌ای‌شان به عنوان بازیگران توانمند نقش اول بوده است.

بازیگران سیمرغ دار مرد

پرویز پرستویی به عنوان رکورددار کسب سیمرغ با ۵ جایزه، حضوری کم‌نظیر در تاریخ جشنواره فجر دارد. او با بازی در فیلم‌های شاخصی مانند «آژانس شیشه‌ای»، «بید مجنون»، «به نام پدر» و «بدوک» و همچنین یک نقش مکمل، این افتخارات را کسب کرده است. فجر بستر اصلی شناسایی و تقدیر مکرر از توانایی کم‌نظیر او در بازیگری، به ویژه در نقش‌های پیچیده و ماندگار بوده است. موفقیت‌های پیاپی او در این جشنواره، نه تنها جایگاهش را به عنوان یکی از تأثیرگذارترین بازیگران سینمای ایران تثبیت کرد، بلکه نشان داد دایره‌ی فجر همواره قدردان هنر متعهد و عمیق بوده است. بازیگران سه سیمرغ‌های مانند فرامرز قریبیان، خسرو شکیبایی و عزت‌الله انتظامی، هر یک با سبک منحصر به فرد خود، بخشی از تاریخ سینما و جشنواره فجر هستند. سعید پورصمیمی نیز با سه سیمرغ نقش مکمل، رکورددار این بخش است. بازیگران دو سیمرغ مانند رضا کیانیان، امین حیایی، بهرام رادان، مهدی هاشمی، اکبر عبدی و نوید محمدزاده (از نسل جوان تر)، نمایندگان نسل‌های مختلفی هستند که فجر با تقدیر مکرر، نقشی مهم در تثبیت و اعتلای جایگاه حرفه‌ای آن‌ها ایفا کرده است. این جشنواره فرصتی برای دیده شدن عمق و تنوع بازی این هنرمندان فراهم آورد. هادی اسلامی از بازیگران پیشکسوت و مؤثر دهه ۶۰ سینمای ایران است. اوج شناسایی او در جشنواره فجر، کسب لوح زرین بهترین بازیگر نقش اول مرد در چهارمین دوره این جشنواره برای فیلم «اتوبوس» ساخته یدالله صمدی بود. این جایزه که معادل سیمرغ بلورین در سال‌های اولیه برگزاری جشنواره محسوب می‌شود، نشان از مهارت و حضوری تأثیرگذار در فضای سینمای آغازین پس از انقلاب داشت. او بعدها نیز با بازی در فیلم‌هایی مانند «سرب» (مسعود کیمیایی) مورد توجه جشنواره قرار گرفت. فجر برای اسلامی، عرصه‌ای برای نمایش توانایی‌هایش در نقش آفرینی‌های جدی و ماندگار بود.

***توضیح:** در ۶ دوره اول جشنواره، لوح زرین جایزه اصلی جشنواره بوده که در اینجا به عنوان سیمرغ آمده است.

از شناسایی تارکوردشکنی

بازیگران زن

فاطمه معتمدآریا: ۴ سیمرغ بلورین (رکوردار زن)

لیلا حاتمی: ۲ سیمرغ بلورین نقش اول

پروانه معصومی: ۲ سیمرغ بلورین نقش اول

هدیه تهرانی: ۲ سیمرغ بلورین نقش اول

باران کوثری: ۲ سیمرغ بلورین نقش اول

هنگامه قاضیانی: ۲ سیمرغ بلورین نقش اول

مریلا زارعی: ۲ سیمرغ بلورین نقش اول

بازیگران مرد

پرویز پرستویی: ۵ سیمرغ بلورین (رکورددار)

فرامرز قریبیان: ۳ سیمرغ بلورین نقش اول

سعید پورصمیمی: ۳ سیمرغ بلورین نقش مکمل (رکورددار مکمل)

خسرو شکیبایی: ۳ سیمرغ بلورین

عزت‌الله انتظامی: ۳ سیمرغ بلورین

محسن تنابنده: ۳ سیمرغ بلورین

رضایکیانیان: ۲ سیمرغ بلورین

امین حیایی: ۲ سیمرغ بلورین

بهرام رادان: ۲ سیمرغ بلورین

مهدی هاشمی: ۲ سیمرغ بلورین

اکبر عبدی: ۲ سیمرغ بلورین

نوید محمدزاده: ۲ سیمرغ بلورین

هادی اسلامی: ۱ سیمرغ

جشنواره فیلم فجر در طول بیش از چهار دهه برگزاری، نه تنها سکوی پرتاب فیلمسازان که عرصه شناسایی و تکامل بازیگران مؤثر سینمای ایران هم بوده است. حضور مکرر برخی چهره‌ها در تالار افتخارات این جشنواره، نه تصادفی است بلکه حکایت از تعامل سازنده‌ای دارد که هم به غنای جشنواره افزوده و هم مسیر حرفه‌ای بازیگران را تعالی بخشیده است. این بخش از گزارش، با تمرکز بر بازیگران رکورددار زن و مرد، به واکاوی این رابطه دوسویه و نقش این جشنواره در تثبیت جایگاه ستاره‌های پایدار سینمای ایران می‌پردازد.

بازیگران سیمرغ دار زن

فاطمه معتمدآریا فعالیتش را از تلویزیون و با عروسک گردانی آغاز کرد. شناسایی رسمی او در جشنواره فجر، ابتدا با سیمرغ نقش مکمل برای «برهوت» در دوره هفتم اتفاق افتاد و این نقطه عطفی بود که مسیرش را به سمت نقش‌های اصلی پیچیده هموار کرد. سپس در اوجی کم‌نظیر، توانست در سه سال متوالی (دوره‌های ۱۰، ۱۱ و ۱۲) برای ایفای نقش‌های مکمل و اصلی در فیلم‌هایی چون «مسافران»، «یکبار برای همیشه» و «همسر» سیمرغ دریافت کند و به رکورددار زنان تبدیل شود. فجر برای او بستری برای نمایش طیف گسترده توانایی‌هایش در نقش‌زانی فرودست و قدرتمند گرفته تا شخصیت‌های طبقه متوسط بود. لیلا حاتمی که در خانواده‌ای سینمایی قد کشید، از کودکی مقابل دوربین رفت. با این حال، شناسایی مستقل و جدی او به عنوان یک بازیگر بزرگسال، با فیلم «لیلا» داریوش مهرجویی و دریافت دیپلم افتخار از پانزدهمین دوره فجر آغاز شد. مسیر پیشرفت او در فجر با نامزدی‌های متعدد (۱۲ بار) تداوم یافت تا اینکه سرانجام برای ایفای نقش زنی ساده لوح در «بی‌پولی» (دوره ۲۷) و سپس یک زن نابسمان در «رگ خواب» (دوره ۳۵) دو سیمرغ بلورین را به دست آورد. فجر نه تنها جایگاه ملی او را مستحکم کرد، بلکه آغازی برای درخشش بین‌المللی‌اش بود؛ به طوری که برای نقشی دیگر یعنی سیمین در «جدایی نادر از سیمین» برنده خرس نقره‌ای برلین شد.

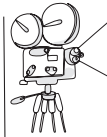
پروانه معصومی از چهره‌های شاخص «موج نوی سینما» پیش از انقلاب بود. پس از انقلاب، او در زمره نخستین بازیگران زنی بود که در سینمای جدید ایفای نقش کرد. درخشش او در سومین دوره جشنواره فجر برای فیلم «گل‌های داوودی» و سپس دریافت سیمرغ برای دو فیلم به طور هم‌زمان در پنجمین دوره «شکوه زندگی» و «جهیزیه‌ای برای رباب»، او را به نخستین بازیگر زن



صفحه ۹

روزنامه چهل و چهارمین
شماره ملی فیلم فجر





گفت‌وگو با میکائیل دینانی، کارگردان فیلم کوتاه «تختی»

عدالت در بن بست

هم‌این تجربه‌ی راداشتم و همین مساله باعث شد این سوژه برایم کاملاً شخصی، جدی و ملموس باشد. برای همین تصمیم گرفتم آن را در قالب یک فیلم داستانی روایت کنم.

❖ حضور فیلم «تختی» در جشنواره فیلم فجر چقدر برای شما بارز نش است؟

قله سینمای فیلم کوتاه ما، «جشنواره فیلم کوتاه تهران» است و ورود به این جشنواره یک اعتبار مهم محسوب می‌شود. ولی وقتی فیلم وارد چرخه جشنواره فجر می‌شود و به بخش سودای سیمیرغ راه پیدا می‌کند، یک فرصت تازه شکل می‌گیرد؛ فرصتی برای دیده شدن توسط بدنه حرفه‌ای سینمای بلند، تهیه‌کنندگان، سرمایه‌گذاران و مخاطب عمومی سینما. این اتفاق می‌تواند مانند یک سکوی پرش برای سازندگان فیلم کوتاه عمل کرده و مسیر ورود آن‌ها به سینمای حرفه‌ای را هموارتر کند. از این نظر، حضور «تختی» در جشنواره فجر برای من اتفاقی مهم و ارزشمند است. معتقدم جشنواره‌ها باید به پلی میان سینماگران و نهادهای تصمیم‌گیر تبدیل شوند. فیلم «تختی» در باره قانون، مجازات و یک ظلم ساختاری است و اگر در فضای جشنواره صدای این فیلم به نهاد قانون‌گذار یا نهادهای قضایی برسد، جشنواره به هدف مهمی دست یافته است. حتی بولتن‌ها و خروجی‌های رسانه‌ای جشنواره هم می‌توانند این نقش را ایفا کنند. جشنواره‌ها نباید فقط محل نمایش فیلم باشند، بلکه باید بستری برای انتقال دغدغه‌های سینماگران به بدنه تصمیم‌ساز کشور شوند.

❖ چه نکته دیگری را مایل هستید در روزنامه جشنواره مطرح کنید؟

در سینمای کوتاه ایران از حدود سال ۱۴۰۰ به بعد، حرکت‌هایی به سمت بومی‌گرایی شکل گرفته؛ نه فقط بومی‌گرایی جغرافیایی، بلکه بومی‌گرایی در ژانر که می‌تواند به سینمای حرفه‌ای ماکمک کند. به عنوان مثال ساخت فیلمی مثل «حیوان» توسط برادران ارک و در ادامه تبدیل شدن آن شکل سینما به فیلم بلند «پوست» نشان داد که می‌توان قصه‌های بومی را در قالب ژانر روایت کرد. امیدوارم این نگاه از سینمای کوتاه به سینمای بلند هم منتقل شود تا هم‌تنوع ژانر داشته باشیم و هم هویت بومی پررنگ‌تر شود.

میکائیل دینانی، کارگردان فیلم کوتاه «تختی» که به بخش فیلم کوتاه جشنواره راه یافته است، از داستان فیلم، انتخاب سوژه، تجربه زیسته خود، اهمیت حضور در جشنواره فجر، بومی‌گرایی در سینمای کوتاه و همچنین پیشنهادهایش برای ارتقای کارگردانان سینما سخن گفت.

❖ داستان و مضمون فیلم «تختی» چیست؟
«تختی» یک فیلم پلیسی است که حول یک پرونده قضایی - انتظامی شکل می‌گیرد. ماجرا از جایی شروع می‌شود که یک مأمور در جریان درگیری با اراذل و اوباش، به دلیل استفاده از سلاح وارد یک پرونده قضایی می‌شود. هم‌زمان که این پرونده در حال رسیدگی است، او با یک موقعیت مشابه دیگر نیز مواجه می‌شود؛ یک خفت‌گیر که بارها زندانی شده، آزاد شده و دوباره به همان مسیر خلاف بازگشته است. این فرد که به دختری حمله کرده، در نتیجه آن به کمارفته است و... شخصیت اصلی فیلم در یک دوگانه سخت اخلاقی و قانونی قرار می‌گیرد؛ اینکه این فرد دوباره زندانی شده و چند ماه بعد آزاد شود یا تصمیمی بگیرد که واقعاً بازدارنده باشد و چرخه خشونت را متوقف کند. در نهایت، شخصیت تصمیمی غیرقابل پیش‌بینی و به اصطلاح انقلابی اتخاذ کرده و همین تصمیم مسیر فیلم را تعیین می‌کند. «تختی» تلاشی است برای بازتاب یک بحران واقعی اجتماعی در قالب سینما؛ فیلمی که می‌خواهد پرسش ایجاد کند، نه پاسخ قطعی بدهد، و مخاطب را در برابر مفهوم عدالت، قانون و مسئولیت فردی قرار دهد.

❖ انتخاب این سوژه چقدر از سابقه فعالیت رسانه‌ای شما می‌آید؟

من سال‌ها روزنامه‌نگاری و مستندسازی اجتماعی انجام داده‌ام. پس طبیعی است سوژه‌هایی که در سینمای داستانی انتخاب می‌کنم، از دل واقعیت‌هایی بیرون بیایند که در کار ژورنالیستی با آن‌ها درگیر بوده‌ام. یکی از موضوعاتی که در سال‌های اخیر به شدت تکرار شد، خفت‌گیری‌های خیابانی و نحوه برخورد قانونی با آن بود؛ موضوعی که به یک بحران اجتماعی تبدیل شد. خود من

گفت‌وگو با عباس شکوری
کارگردان فیلم کوتاه «یادداشت‌های زیرزمینی»

گفت‌وگو، نه فقط دیده شدن

عباس شکوری، کارگردان فیلم کوتاه «یادداشت‌های زیرزمینی» در گفت‌وگویی با محوریت انگیزه ساخت این اثر و حضور آن در چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر، تأکید کرد: «این فیلم بیش از آن‌که یک پروژه هنری باشد، تلاشی برای آغاز یک گفت‌وگوی حقوقی و اجتماعی درباره یک بن‌بست قانونی است.»

❖ از قالب و ایده شکل‌گیری این فیلم بگویید...

«یادداشت‌های زیرزمینی» ادامه مسیری است که من در فیلم‌هایم بر اساس پرونده‌های واقعی قضایی طی می‌کنم. این فیلم مشخصاً از دل یکی از پرونده‌های خودم در مقام قاضی دادگاه کیفری یک شکل گرفت. پرونده‌ای که بن‌بست‌های حقوقی آن در نهایت منجر به نابودی سرنوشت یک کودک شش ماهه می‌شد. همین مساله باعث شد تصمیم بگیرم موضوع را به جای بیان صرف در جلسات حقوقی، به زبان تصویر ترجمه کنم.

❖ با این تصمیم چه هدفی را دنبال می‌کردید؟

هدفم این بود که فراتر از بحث‌های بیانی و تخصصی، جامعه هم با این مشکل آشنا شود. سینما برای من ابزار بود، نه هدف. می‌خواستم یک مساله حقوقی را به گفت‌وگوی عمومی تبدیل کنم؛ گفت‌وگویی که حقوقدانان، قضات و قانون‌گذاران را پای میز فکر جمعی بنشانند.

❖ علت همکاری با «رضا کیانیان» چه بود؟ قاعدتاً شهرت این هنرمند در این انتخاب بی‌تأثیر نبوده است...

«یادداشت‌های زیرزمینی» تنها فیلم کوتاه کارنامه بازیگری آقای کیانیان است و پیشنهاد به این بازیگر برجسته، دقیقاً به خاطر همین انگیزه فرامتنی بود. هدف فیلم از ابتدا روشن بود و بعد از ساخته شدن این مسیر ادامه پیدا کرد. فیلم برای رسیدن به ایده «گفت‌وگو» باید می‌توانست با مخاطب ارتباط برقرار کند. واقعیت این است که ما مدت‌هاست نشست‌های تخصصی برگزار می‌کنیم، بحث می‌کنیم، دو دو تا چهار تا می‌کنیم، اما هنوز به یک راهکار عملیاتی که بتواند جلوی تکرار چنین فاجعه‌ای را بگیرد، نرسیده‌ایم.

❖ «یادداشت‌های زیرزمینی» در جشنواره تهران موفق شد عنوان بهترین فیلم تجربی را به دست آورد. برای شما حضور فیلم در فجر چقدر اهمیت دارد؟

نگاه جشنواره فیلم فجر طبیعتاً بیشتر هنری است، در حالی که انگیزه من هنری نبوده؛ بلکه استفاده از هنر برای یک هدف اجتماعی و حقوقی بوده است. البته در جشنواره قبلی، داورها از نظر هنری هم به این نتیجه رسیدند این فیلم نسبت به رقبا بهتر عمل کرده، اما در فجر ممکن است نگاه‌ها متفاوت باشد که این موضوع کاملاً طبیعی است. البته باید بگویم جامعه شرایط ملتهبی دارد و همه بابت اتفاقات رخ داده سوگواری و شاید هیچ‌کس از حس و حال لازم برای دیدن چنین فیلمی برخوردار نباشد. از طرف دیگر، چون موضوع فیلم یک چالش حقوقی است، حضورش در فجر می‌تواند به جدی‌تر شدن بحث‌ها کمک کند. وقتی اسم جشنواره فجر کنار یک مساله قرار می‌گیرد، حساسیت و توجه بیشتری ایجاد می‌شود. اما قطعاً در فضایی آرام‌تر و انسانی‌تر بهتر می‌شد درباره هنر و سینما و مساله اصلی فیلم‌ها حرف زد.



تولید و نمایش «شاخه‌ای روی آب» نخستین پرتبه سینمایی از شهید دکتر محمد مهدی طهرانچی، دانشمند هسته‌ای و از شهدای شاخص جنگ ۱۲ روزه، سبب شد محمد مهدی حبیبی، عنوان سازنده کنجکاوی برانگیز فیلم مستند حاضر در جشنواره چهل و چهارم را به نام خود ثبت کند. با او درباره این اثر صحبت کرده‌ایم.

❖ **مستند «شاخه‌ای روی آب» روی یکی از مهم‌ترین ترورهای سال‌های اخیر دست گذاشته است. تولید این اثر با چه نگاهی شکل گرفت؟**

البته پیش از این نسخه‌ای کوتاه‌تر درباره شهید طهرانچی و اربعین ساخته بودیم، اما مستند اصلی با نگاهی کاملاً متفاوت شکل گرفت. روایت فیلم از نگاه همسر شهید است که صدای ایشان با اجرای خانم فریبا کوثری بازسازی شده است. تلاش کردیم به یک روایت زنانه و خانوادگی برسیم؛ روایتی که کمتر در مستند پرتبه شهدا دیده می‌شود. زندگی مشترک این زوج از دهه ۶۰ و زیر موشک باران آغاز شد اما نقطه دراماتیک فیلم، مواجهه همسر شهید با قطعیت شهادت همسرش است. این لایه‌های عاطفی، وجه تمایز مستند ما با آثار گزارشی است. فیلم را پیش از هر چیز برای خودمان می‌سازیم؛ برای رمزگشایی از یک شهید زیر هر شهید قصه و روایت منحصر به فرد خود را دارد. اگر به کلیشه‌ها بسنده کنیم، همه پرتبه‌ها شبیه هم می‌شوند. فیلمساز باید آن وجه تمایز را پیدا کند و به لایه‌های درونی زندگی قهرمان نزدیک شود.

❖ **رویکرد روایی شما بر چه اساس بود؟**

در این مستند، نه به ستایش اغراق‌آمیز پرداختیم و نه تحلیل مستقیم ارائه دادیم. با انتخاب زاویه دید درست، قضاوت را به مخاطب سپردیم. سادگی، روایت بدوی و پرهیز از اغراق، به ایجاد حس صداقت در فیلم کمک می‌کند؛ هرچند رسیدن به این تعادل، سخت‌ترین بخش کار است.

❖ **برای پژوهش فیلم چقدر دست شما باز بود؟**

خانواده شهید طهرانچی، به‌ویژه برادر و فرزندشان، همکاری کم‌نظیری داشتند. آرشیوهای تصویری، عکس‌ها و حتی فیلم‌هایی که از زیر آوار منزل شهید پیدا شدند، در اختیار گروه قرار گرفتند. برخی از این تصاویر به شدت آسیب دیده بودند که با تلاش محمد امین صدیقی مقدم بازیابی شدند. حتی آلبوم عکسی از شهید که پس از انفجار چند خانه آن طرف‌تر پیدا شده بود، به دست ما رسید. این اسناد، ستون فقرات فیلم را شکل دادند.

❖ **از فرآیند تولید اثر بگویید؟**

ساخت این اثر از ابتدا پروژه‌ای دشوار و فشرده بود. مرکز مستند سوره حوزه هنری از همان آغاز تأکید داشت که این فیلم حتماً به جشنواره‌های «سینماحقیقت» و «فجر» برسد، زیرا دیده شدن آن در چنین بستری می‌توانست بازخورد گسترده‌تری ایجاد کند؛ به‌ویژه با توجه به آنکه این فیلم، نخستین پرتبه سینمایی شهید دکتر طهرانچی، از شهدای شاخص جنگ ۱۲ روزه است. برای رسیدن به این هدف، یک گروه کارگردانی و پژوهشی شکل گرفت. بخش تاریخ شفاهی حوزه هنری حدود یک سال به صورت هفتگی خاطرات شهید طهرانچی را ضبط کرده بود و این فایل‌های صوتی، منبعی بی‌نظیر برای تحقیق و نگارش فیلمنامه شدند. حامد آبکنار به عنوان نویسنده و من به همراه محسن اسلام‌زاده کار نگارش و طراحی روایت را آغاز کردیم و در ادامه حمید مشایخی و امیرحسین اوکاتی برای تسریع روند تولید به تیم اضافه شدند.

❖ **به عنوان پرسش پایانی، از جایگاه سینمای مستند و ارتباط آثار مستند با مخاطب بگویید؟**

امسال سینمای مستند ایران در اوج بود؛ تنوع موضوعی، کیفیت آثار و استقبال مخاطبان کم‌نظیر بود. با این حال، مستندسازان همچنان مظلوم‌اند. با بودجه‌های اندک و دستمزدهای پایین کار می‌کنند، در حالی که در روزهای سخت کشور همیشه پای کار بوده‌اند. مستند می‌تواند پل گفت‌وگو میان مردم و حاکمیت باشد و امیدوارم مسئولان فرهنگی قدر این ظرفیت بزرگ را بیشتر بدانند.

رمزگشایی صادق

گفت‌وگو با محمد مهدی حبیبی، کارگردان مستند «شاخه‌ای روی آب»



گفت‌وگو با شهاب مهربان پور
کارگردان فیلم کوتاه «به صدای زمین گوش کن»

از شنود تا کشف حقیقت

شهاب مهربان پور، کارگردان فیلم کوتاه «به صدای زمین گوش کن» که به چهل و چهارمین جشنواره فیلم فجر راه یافته است در این گفت‌وگو از داستان فیلم، فضای آن، تجربه حضور در جشنواره فجر و نگاه انتقادی‌اش به ساختار جوایز بخش فیلم کوتاه سخن گفت.

❖ **داستان یک خطی فیلم چیست؟**

قصه فیلم درباره یک زوج میانسال است که به یک عادت بد و عجیب دچار شده‌اند: آن‌ها با استفاده از گوشی پزشکی صدای همسایه‌ها را شنود می‌کنند! این کار برایشان به یک سرگرمی روزانه تبدیل شده، اما وقتی صدای زوج طبقه پایین را می‌شنوند که در آستانه جدایی هستند، ناخواسته به واقعیتی در زندگی خودشان پی می‌برند. همین کشف، موتور اصلی روایت فیلم است.

❖ **در پرداخت این ایده، چه چیزی برای شما اهمیت داشت؟**

فضای فیلم در مجموع شیرین و انسانی است. شاید در نگاه اول رفتار شخصیت‌ها کمی بعید یا غیرواقعی به نظر برسد، اما در اجرا تلاش کردم باورپذیر باشد و به دل بنشیند. فیلم از یک موقعیت غیرمعمول به یک حقیقت کاملاً انسانی می‌رسد.

❖ **از نظر شما اهمیت اکران فیلم برای مخاطبان جشنواره فیلم فجر در خانه جشنواره چیست؟**

دیده شدن فیلم توسط منتقدان، فعالان رسانه و سینماشناسان اتفاق خوشحال‌کننده‌ای است. برای من مهم است که فیلم دیده شده و درباره‌اش صحبت شود. اما چون این اولین فیلم من است، نه با تشویق‌ها خیلی ذوق زده می‌شوم و نه با نقدها ناراحت، هنوز در مسیر یادگیری هستم و مشق فیلمسازی می‌کنم. پیشنهادهای و نقدهای کمک‌کننده‌ای می‌پذیرم، اما مسیرم را برای فیلمسازی ترسیم کرده‌ام و سعی می‌کنم بر اساس همان جلو بروم. از سوی دیگر برخلاف جشنواره تهران که توجه به برخی فیلم‌های بخش دولتی و نهادهای سبب شد تا کمتر به کارهای مستقل بها داده شود، در فجر تعداد فیلم‌های کوتاه کمتر است و توجه بیشتری به آثار صورت می‌گیرد که همین موضوع، شانس دیده شدن را بالاتر می‌برد.

❖ **سخنی مانده که بخواهید با روزنامه جشنواره در میان بگذارید؟**

من مسیر خود را در فیلمسازی شروع کرده‌ام و جشنواره‌ها برایم بخشی از این مسیر هستند، نه مقصد نهایی. امیدوارم این فیلم بتواند ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کند و شروع مناسبی برای ادامه راه باشد. یک نقد هم دارم: این که چرا در فجر فقط به یک فیلم جایزه داده می‌شود و آن هم فقط در بخش کارگردانی جای سوال دارد. سینما یک هنر کاملاً جمعی است و همه عوامل زحمت می‌کشند؛ از بازیگر و فیلمبردار گرفته تا عوامل فنی. اینکه فقط کارگردان دیده شود، خیلی منصفانه نیست. اگر زحمات دیگر عوامل هم دیده شود، هم انگیزه بیشتری ایجاد می‌شود و هم عدالت بیشتری برقرار خواهد شد.



روزنامه چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر
شماره ۳ - دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۴۰۴
مدیر مسئول: منوچهر شاهسوار



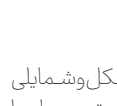
خروج از سایه

بخش فیلم کوتاه چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر از روز یکشنبه ۱۲ بهمن با اکران آثار راه یافته در خانه هنرمندان ایران، برج میلاد و پردیس سینمایی ملت کار خود را آغاز کرد. تفکیک محل استقرار هنرمندان و اهالی رسانه، از جمله نکات قابل تامل این دوره از جشنواره است. اکران نخستین سانس سالن سه هم به یک مستند اختصاص داشت، در روز یکشنبه ۱۲ بهمن در پردیس ملت برگزار نشد. در زمینه پوشش اخبار فیلم‌های کوتاه جشنواره، رسانه تخصصی «نیم‌نما» به سردبیری رکسانا قهقرایی که در حوزه سینمای کوتاه فعالیت می‌کند، به نمایندگی از این بخش و با همکاری انجمن سینمای جوانان ایران در پردیس سینمایی ملت مستقر است. این رسانه به انتشار اخبار، نقد و تحلیل آثار کوتاه، معرفی ۱۳ فیلم کوتاه منتخب، انتشار سکانسی از فیلم‌ها و گفت‌وگو با کارگردانان می‌پردازد. نمایش فیلم‌های کوتاه از یکشنبه ۱۲ بهمن آغاز شده و تا سه‌شنبه ۲۱ بهمن ادامه دارد. در مجموع، سه باکس فیلم کوتاه در جدول نمایش‌ها پیش‌بینی شده است. باکس نخست شامل چهار فیلم منتخب از جشنواره فیلم کوتاه تهران است که پیش‌تر به دبیرخانه جشنواره فجر معرفی شده بودند. با توجه به اینکه امسال هیأت انتخاب مستقلی برای فیلم‌های بلند و کوتاه و مستند جشنواره وجود نداشت، فیلم‌های حاضر در بخش رقابتی، در هر سه بخش، توسط دبیر جشنواره و با مشورت تعدادی از مشاوران انتخاب شده‌اند. یکی از شروط اصلی حضور آثار کوتاه برای رقابت در کسب سیم‌رغ، زمان کمتر از ۲۰ دقیقه بوده که همین موضوع باعث شده است برخی آثار از حضور در این بخش باز بمانند. فیلم «شیزو» به کارگردانی محمد اسدی فیلم‌اولی‌های کوتاه را در فجر چهارم نمایندگی می‌کند. ۱۲ اثر کوتاه این جشنواره نیز متعلق به فیلمسازانی است که پیش از این سابقه ساخت آثاری را در کارنامه خود داشته‌اند.



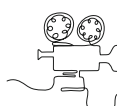
سال مکتوب

امسال نشریات کاغذی حضور پررنگی در خانه جشنواره دارند. روزنامه جشنواره پس از سال‌ها که به صورت مجازی روی سایت جشنواره قرار می‌گرفت، امسال به صورت کاغذی به دست مخاطبان می‌رسد. علاوه بر روزنامه «صبا» که براساس روال همیشگی خود در جشنواره‌های سینمایی، در فجر ۴۴ نیز حضور دارد، روزنامه فرهیختگان هم با صفحات ویژه و روزنامه همشهری با ویژه‌نامه «۲۴» رویدادهای جشنواره را پوشش می‌دهند. امسال رسانه هنر ایران (رها) هم در قالب ویژه‌نامه کاغذی «رهاورد» منتشر می‌شود.



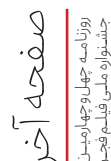
تصویر امروز

فوتوکال امسال در پردیس سینمایی ملت (خانه جشنواره) با شکل و شمایی متفاوت و به واسطه برگزاری در سالن سینما، در قالب سینمایی‌تری به اجرا در می‌آید.

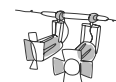


نگاه ایرانی

دندان مار فقط در رشته بازیگری (فرامرز صدیقی) از هشتمین جشنواره فیلم فجر نامزد دریافت جایزه شد، اما قدریده‌ترین فیلم مسعود کیمیایی در چهار دهه اخیر نزد کارشناسان و منتقدان و سینماگران است. فیلمی که همچنان ماندگار و دیدنی‌ست.



صفحه آخر
روزنامه چهارمین جشنواره ملی فیلم فجر



برج کلید زد

سالن سینمای برج میلاد تهران، این روزهای یکی از میزبان‌های چهارمین جشنواره فیلم فجر است. نمایش‌ها در برج میلاد، امسال ویژه هنرمندان و مهمانان آثار است و در نخستین روز اکران فیلم‌های جشنواره و پیش از آغاز بخش انیمیشن «نگهبانان خورشید» (به عنوان نخستین سانس جشنواره امسال در برج میلاد) تعداد قابل توجهی از هنرمندان در برج میلاد حاضر شدند و این فیلم را تماشا کردند. برج میلاد در سال‌های گذشته به عنوان سینمای اهالی رسانه تعیین می‌شد اما امسال میهمانان دیگری دارد. استقبال خوب هنرمندان و حاضران در برج میلاد از تنها انیمیشن حاضر در جشنواره نشان از آن دارد که مخاطبان سینما، سیر روبه‌رشد انیمیشن‌های ایرانی را به خوبی دنبال می‌کنند.